

⊖ نظامیان عراق در مرز شلمچه. آغاز تهاجم در محور خرمشهر و آبادان از این منطقه‌ی مرزی شروع می‌شد.



× فرمانده سیاسی

در بررسی نوارهای جلسات صدام، به‌ویژه در اوایل جنگ، نشانه‌هایی از کمبود اطلاعات او در زمینه‌های نظامی به چشم می‌خورد. مثلاً در جلسه‌ای در دوم مهر ۱۳۵۹، صدام می‌گوید اطلاعاتی که درباره‌ی تعداد جت‌های اف ۱۴ ایران در اختیار دارند صحیح نیست و درباره‌اش اغراق شده؛ «... اگر ۶۰ هواپیمای اف ۱۴ آن‌ها در وضعیت خوبی بود، چرا آن را نگه داشته و استفاده نمی‌کنند؟... به علاوه، چرا آن‌ها به جای اف ۱۴ از هواپیمای فانتوم برای حمله به اهدافشان در داخل بغداد استفاده می‌کنند؟» یکی از فرماندهان حاضر به او می‌گوید که اف ۱۴ برای حملات زمینی نمی‌تواند استفاده شود. در ادامه بحث به عکس‌برداری هوایی از پایگاه‌های نظامی ایران می‌رسد و صدام می‌پرسد چرا از این امکانات استفاده نمی‌شود؟ فرمانده نیروی هوایی می‌گوید این عکس‌ها کیفیت کافی را برای تحلیل ندارند و صدام می‌گوید: «چرا؟.. آیا این چیزی است که الان کشفش کردیم یا همیشه این‌طور بوده؟» و فرمانده می‌گوید از ابتدا چنین بوده است.

× سرمست پیروزی

پیشروی‌های اولیه‌ی ارتش صدام برای ایرانی‌ها بسیار آزاردهنده و تلخ بود و طعم تلخ شکست را در کامشان نشانده اما ناظران جنگ به وضوح می‌دیدند که بسیاری از پیش‌بینی‌های صدام محقق نشده است. حمله‌ی اولیه‌ی هوایی موفقیت کمی داشت و پیشروی نیروهای زمینی متوازن نبود. ارتش عراق در برخی مناطق که موقعیت دفاعی مناسبی نداشت زمین‌گیر شده بود. مثلاً در جبهه‌ی جنوب خوزستان، خرمشهر را به سختی تمام گرفته بودند اما راهی به آبادان پیدا نکرده بودند و نیروهایشان در شمال خرمشهر از کارون عبور کرده بودند تا محاصره‌ی آبادان را کامل کنند اما به تدریج همین موضوع یک ضعف دفاعی به آن‌ها داده بود و نیروهایی که در این منطقه بودند از روبرو مقابل نیروهای نظامی ایران بودند و رودخانه‌ی کارون را پشت سر داشتند که امکان پشتیبانی در عملیات احتمالی ایران را برایشان سخت می‌کرد.

صدام به گفته‌ی خود و اطرافیانش در آن روزها، سررشته‌ی مناسبی از امور نظامی نداشت. حمدانی از فرماندهان سابق ارتش عراق می‌گوید که صدام در همان اوایل جنگ در جلسه‌ای با نخبگان عرب گفته بود: «من در جنگ وارد شدم ولی در مورد جنگ بیشتر از یک سروان نمی‌دانم، ولی فرمانده نیروهای مسلح عراق هستم.»

⊕ تمبر یادبود با تصویر صدام و صلاح‌الدین ایوبی. صلاح‌الدین از فرماندهان مشهور مسلمانان در جنگ‌های صلیبی بود که سلسله‌ی ایوبیان را هم بنیان گذاشت که قلمرو آن تا ایران نیز گسترش یافت.



» ایران از همان ابتدا برای دشمنی با ما برنامه داشت؛ همان‌طور که تغییری (انقلابی) که در ایران به وقوع پیوست، با نیت‌هایی بر علیه منافع عراق طراحی شده بود... ما با آن‌ها بیش از آن که لیاقتش را داشتند مهربان بودیم.»

صدام در دیدار با حلقه‌ی نزدیکانش؛ نیمه‌ی دوم آبان سال ۱۳۵۸



⊕ جنگنده‌ی اف ۱۴. حمله‌ی هوایی ۳۱ شهریور برای از بین بردن جنگنده‌های ایرانی ناموفق بود. نیروی هوایی همان ابتدا پاسخ محکمی به هجوم دشمن داد.

از سوی دیگر صدام مدتی پیش از آغاز جنگ با یک شبه‌کودتا سر کار آمده بود و از همین رو فرماندهان زیادی را در ارتش تغییر داد و افراد وفادارش را به فرماندهی انتخاب کرد.

نمی‌دانیم صدام تا چه حد خطر استقرار آسیب‌پذیرش در خاک ایران را درک کرده بود اما آن‌چه او را بیش از پیش امیدوار کرد ضعفی بود که در جبهه‌ی مقابلش در ایران می‌دید و همین بود که با وجود این موقعیت آسیب‌پذیر همچنان با لحنی از جنس لحن آغاز جنگ سخن می‌گفت. ارتش عراق زمین‌هایی از خاک ایران را اشغال کرده بود، عملیات تهاجمی‌اش را متوقف کرده و منتظر بود تا تلخی اشغال سرزمین، ایرانی‌ها را پای میز مذاکره بکشاند. مذاکره‌ای که صدام برایش پیش شرط داشت و می‌گفت: «ما به شرطی آماده‌ی مذاکره با رهبران ایران هستیم که دولت ایران به حاکمیت ما بر شط‌العرب [اروند] و سرزمین‌هایی که آزاد ساختیم احترام بگذارد.»